

مطالعات تفسیری آلا، الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)

سال اول * شماره سوم * بهار ۱۴۰۲



تبیین نمونه‌هایی از شرایط تحقق جهاد علمی در بیانات مقام معظم رهبری و مستندات قرآنی آن

خدیدجه حسین‌زاده باردنی^۱

کج صدیقه بنازاده^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهم مطرح شده در بیانیه‌ی گام دوم مقام معظم رهبری، مسئله‌ی «جهاد علمی» است؛ مقصود از این نوع از جهاد (که شاخه‌ای از جهاد نرم محسوب می‌شود)، شکستن خط مقدم علوم و واردشدن در عرصه‌های علمی با چارچوب باورهای اسلامی در راستای تحقق ایجاد تمدن نوین اسلامی است. نوشتار حاضر که با تتبع در آیات قرآنی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تدوین یافت؛ درصدد پاسخ به این پرسش است که «مستندات قرآنی شرایط تحقق جهاد علمی در بیانات رهبری، چیست؟» نتایج برآمده از این تحقیق این است: شرایط تحقق جهاد علمی در کلام رهبری به دو دسته‌ی شرایط بینشی و رفتاری قابل تقسیم است و مستند به آیات قرآن می‌باشد. شروط بینشی عبارت است از: خودباوری، گفتمان‌سازی، فراگیر شدن تفکر جهاد علمی در سطوح مختلف جامعه؛ اموری همانند: عبارت است از: حرکت جهادی در جهت تولید علم و فکر؛ البته بر مبنای فرهنگ خودی و از طریق ارائه‌ی پژوهش‌های علمی، برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی، پرورش نخبگان و سپردن میدان به آنان؛ از شروط رفتاری به‌شمار می‌آیند؛ چراکه تنها راه پاسداری از حدود و ثغور مرزهای اعتقادی و ایمانی و تأمین حیات طیبه، جهاد علمی و پیشران بودن در علم است.

واژگان کلیدی

پژوهش‌های بنیادین، جهاد کبیر، جهاد علمی، جهاد نرم، خودباوری، شرایط بینشی، شرایط عملی، کرسی آزاد اندیشی.

Hosinzadeh110@gmail.com

Mahanisedegheh@gmail.com

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

۱. دانش‌پژوه سطح ۴، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)

۲. دانش‌پژوه سطح ۳، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)

* دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

مقدمه

علم و دانش نقطه‌ی مهم تمایز انسان از سایر موجودات و موجب برتری وی از سایر مخلوقات می‌باشد، و عامل قدرت و عزت جوامع است. خداوند متعال نخستین پیامش به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در غار حرا را با واژه‌ی ارزشی «اقرأ» شروع کرد، و در سخن دیگری، «علم» را مایه‌ی سرافرازی و سربلندی انسان دانسته و چنین فرمود: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به‌آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد؛ و خداوند به‌آنچه انجام می‌دهید آگاه است ﴿مجادله: ۱۱﴾ زمانی که علم و دانش فی سبیل الله باشد و با نوآوری و مجاهدت در جهت مقابله با خصم پیش رود، مصداق جهاد کبیری است که خداوند در حقش فرموده است: ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾؛ بنابراین از کافران اطاعت مکن، و به‌وسیله‌ی آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما ﴿فرقان: ۵۲﴾ روش قرآن کریم در امر به‌زرف‌نگری، خردورزی، قرائت، کتابت، تمجید از علم و عالمان، از یک سو و توصیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اموری همچون: وجوب همگانی تحصیل علم، دانش‌آموزی در شرایط سنی مطلوب، تحمل مشکلات علم‌آموزی، تشویق مسلمانان به حکمت اندوزی از هرکسی، لعن و نکوهش کتمان‌کنندگان دانش و آزادی اسیران جنگ بدر در قبال دادن آموزش به‌ده نفر مسلمان از سوی دیگر؛ موجب نهضت علمی شکوهمندی در قلمرو اسلام گردید (خسروانی و عین القضاتی، ۱۳۹۸: ۹۷). با این رویکرد و در سیر و حرکت جاری این نهضت علمی و در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی، حکیم و رهبر فرزانه انقلاب امام خامنه‌ای مد ظله، برنامه‌ای منسجم و سندی بالادستی جهت نیل به هدف غایی صادر کردند و در این بیانیه با نگاه به گذشته و سیر به‌آینده‌ای روشن، آحاد مردم (به‌خصوص جوانان) را دعوت به‌بر داشتن گام دوم انقلاب کردند. ایشان، از جهاد علمی و توجه مناسب به‌علم و پژوهش، به‌عنوان اولین مولفه برای پیشرفت به‌آینده یاد کرده‌اند؛ چراکه، با جهاد علمی می‌توان مرزهای علم و فناوری روز را با سرعت نجومی طی کرد و به مرجعیت علمی و اقتدار و قدرت جهانی دست پیدا کرد.



بی‌تردید، با تحقق جهاد علمی، جامعه به سمت عملیاتی نمودن تمدن نوین اسلامی پیش خواهد رفت؛ زیرا علم، پایه‌ی تمدن است، اگرچه شرط کافی برای مدنیت نیست. تا آن‌جا که قرآن کریم، صاحبان علم را به رفعت درجه نوید داده و چنین فرموده است: ﴿يُزْفِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به‌آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد؛ و خداوند به‌آنچه انجام می‌دهید آگاه است﴾ (مجادله: ۱۱) (معنی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۹۰) با اندکی تغییر در عبارت). در عرصه‌ی تمدن اسلامی، مقوله‌ی تولید و توسعه‌ی علم، چه به‌لحاظ تئوری و چه به‌شیوه‌ی عملی، مورد عنایت خاص قرار گرفته؛ این نشان دهنده‌ی آن است که بن‌مایه‌ی این توسعه، منابع اصیل اسلامی بوده و اسلام با علم و تمدن تعارضی ندارد (بهنیافر، ۱۳۸۸: ۱۷۳). در نوشتار حاضر، که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تدوین یافته است، پس از طرح دو بحث مقدمه‌ای «مفهوم‌شناسی» و «واژگان کلیدی و «پیشینه‌ی تحقیق»؛ شاهد دسته‌بندی شرایط تحقق جهاد علمی از منظر رهبری به‌شرایط بینشی و عملی (رفتاری)؛ همراه با ذکر مستندات قرآنی خواهید بود.

۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به نقش والای بحث «مفهوم‌شناسی» در نتیجه بخشی پروژه‌های تحقیقاتی، به تبیین معنی واژگان ذیل پرداخته می‌شود:

۱-۱. مفهوم «جهاد»

الف: ریشه و مفهوم لغوی «جهاد»

کلمه‌ی «جهاد»، ماخوذ از ریشه‌ی «جهد» یا «جهد» می‌باشد. گروهی از لغویون برای این دو واژه، تفاوت معنایی قائل هستند؛ برخی بر این باورند که «جهد» یعنی «مشقت و سختی» (جوهری، ۱۳۷۶: ۲/۴۶۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۸) و «جهد» یعنی کوشش گسترده و وسیع به‌اندازه‌ی طاقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۸). بعضی نیز معنای «جهد» را رسیدن به‌نهایت کاری که همراه با تلاش و کوشش باشد، معنا می‌کنند (ازهری، ۱۴۱۲: ۳/۱۳۳). اما گروه دیگر از لغویون جهاد یا جهد را به‌یک معنا می‌دانند؛ و آن عبارت است از: واداشتن نفس،

بدانچه بر او دشوار است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۳/۲).

ب: مفهوم اصطلاحی «جهاد»

واژه‌ی جهاد در اصطلاح شرعی، عبارت است از بذل جان و مال به طریقی که مخصوص جنگ با مشرکان و یاغیان در راه اعتلای اسلام باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۲۵۷/۱). به عبارت دیگر: جهاد یعنی «نبرد با دشمن در راه خدا» (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۴/۲۵۰) و گاه به معنای تلاش‌های پرتوان جهت تسلط بر امری و راندن و دفع دشمن آشکار، ستیز با شیطان و مجاهده با نفس به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۸) و نیز جهاد به معنی محاربه با دشمنان، نهایت به کارگیری توان و نیرو از جهت گفتار یا عمل است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۱۳۵). برخی از مفسران بر این باورند: هرگونه تلاشی که در راه خدا و برای خدا و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد، جهاد نامیده می‌شود؛ خواه این جهاد در طریق کسب معرفت باشد یا جهاد با نفس یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت یا شکیبایی در برابر و سوسه‌ی معصیت یا در مسیر کمک به مستضعفین و یا انجام هر کار نیکی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۴۹). به عبارتی جهاد یعنی آنکه شخص در برابر دشمن متحمل مشقت شده و با نبرد کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۸۳). از منظر مقام معظم رهبری، جهاد فقط جنگیدن در میدان قتال نیست؛ بلکه شامل جهاد فکری و عملی و تبیینی و تبلیغی و مالی هم می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/۵/۹۵).

۲-۱. مفهوم «علم»

الف: مفهوم لغوی «علم»

واژه‌ی «علم» به معنای شناخت، معرفت (جوهری، ۱۳۷۶: ۵/۱۹۹۰) و آگاهی است (ازهری، ۱۴۱۲: ۲/۲۵۴). از نظر برخی، علم به معنای معرفت و یقین است، اما با این تفاوت که معرفت اخص از علم و یقین همان علم است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸/۲۵۰). تعابیری همانند: قدرت تمییز و تشخیص (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۱۲۰)، دریافتن، ادراک، شناسایی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰/۱۶۰۵۲) نور و روشنایی (احشام، ۱۳۸۸، ۴۶) از معانی دیگر این واژه محسوب می‌شوند.

ب: مفهوم اصطلاحی «علم»

این واژه در اصطلاح نیز معانی متعددی دارد؛ گاهی علم به اعتقاد یقینی مطابق با واقع



اطلاق می‌شود. گاهی نیز بر مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آن‌ها در نظر گرفته شده، اطلاق می‌شود؛ هرچند این قضایا شخصی و خاص باشند، به‌عنوان نمونه: علم تاریخ، دانستن حوادث خاص تاریخی و علم جغرافیا دانستن احوال خاص مناطق مختلف کره زمین و علم رجال و بیوگرافی شخصیت‌ها هم علم نامیده می‌شود. گاهی نیز اصطلاح علم بر مجموعه قضایای کلی که محور خاصی برای آن‌ها لحاظ شده و هر کدام از آن‌ها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد باشد، گفته می‌شود؛ هرچند قضایای اعتباری و قراردادی باشد و به این معنی است که علوم غیر حقیقی و قراردادی مانند لغت و دستور زبان هم علم خوانده می‌شود، ولی قضایای شخصی و خاص مانند قضایای فوق‌الذکر علم به‌شمار نمی‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۵۱/۱). در اصطلاح فلسفی هم علم همان حصول امری مجرد از ماده، برای امر مجرد دیگر و یا حضور شیء برای شیء دیگر است (طباطبایی، ۱۴۲۲/۲۹۷). علم از منظر مقام معظم رهبری یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدم‌کش قرار بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی‌آفریند؛ اما همین سلاح می‌تواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسان‌ها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۱۹/۸۹).

۱-۳. مفهوم «جهاد علمی» و ارزشمندی آن

با توجه به آنچه گفته شد مراد از جهاد علمی در این نوشتار آن است که در تمام علوم که جامعه‌ی اسلامی به آن نیازمند است تلاش و کوشش شایسته‌ای صورت گیرد تا با نوآوری و تولیدات علمی خود، نیازهای جامعه را برطرف کند و جامعه‌ی اسلامی را به‌اوج و اقتدار برساند (کریمی، بخشی، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

به‌اعتقاد صاحب مجمع‌البیان، بهترین و بزرگترین جهاد در پیشگاه الهی، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان را باطل می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۷/۷). خداوند باری تعالی در آیه **﴿فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيْرٍ﴾**؛ بنابراین از کافران اطاعت مکن و به‌وسیله قرآن با آن‌ها جهاد بزرگی بنما **﴿(فرقان: ۵۲)﴾** صراحتاً به‌رسول اکرم **ﷺ** دستور می‌دهد: «برای

مجادله با کفار، به جهاد کبیر پرداز و مطیع ایشان نباش). برخی از مفسران نیز اعلان نموده‌اند: بدون شک منظور از جنگ در این مورد، جهاد فکری و تبلیغاتی و فرهنگی است، نه جهاد مسلحانه؛ چراکه سوره‌ی مکی است و در سور مکی دستور جنگ مسلحانه نازل نشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۲۲).

نکته‌ی شایان توجه اینک: در قرآن کریم واژه‌ی جهاد کبیر یک‌بار آمده است و به‌نظر غالب مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۲۷۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۸/۴۵۶؛ جوادی آملی، جلسه‌ی ۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۱۲۲) منظور از جهاد کبیر در آیه (فرقان: ۵۲) همان جهاد علمی و فرهنگی است (کریمی، بخشی، ۱۳۹۹: ۱۸۸). در بیانات رهبر انقلاب هم یکی از مطالبات و نیازهای پیشرفت جامعه‌ی اسلامی، دعوت آحاد مردم به‌ویژه جوانان و نخبگان جامعه به جهاد علمی و رسیدن به اوج قله‌های علمی است؛ به‌عنوان نمونه ایشان فرمودند:

«امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آن‌ها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آن‌ها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است ﴿(حج: ۴۰)﴾ یا فرمود: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ می‌خواهیم بر مستضعفان زمین مت‌نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم «این‌ها وعده‌ی الهی است» ﴿(قصص: ۵)﴾ و فرمود: ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ﴾؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند ﴿(یوسف: ۲۱)﴾ این وعده‌های الهی به‌برکت بیداری و حرکت مسلمان‌ها به‌تدریج خود را نشان می‌دهد. یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۱۰).

۲. پیشینه

با جستجویی که نویسنده در سایت‌های علمی کشور انجام داده، مشخص گردید: در مورد «شروط تحقق جهاد علمی از نگاه رهبری و مستندات قرآنی آن»، پژوهشی انجام نشده اما کتب و آثاری وجود دارد که مرتبط با این مسئله می‌باشند؛ از باب نمونه:

یک: «جهاد علمی و نقش تشکلهای دانشجویی»؛ این کتاب در سال ۱۳۹۴ ش در دفتر نشر معارف به قلم سید پیمان امین مدنی و محمد شریف قیصری به چاپ رسیده؛ در این نوشته، شاهد جمع‌آوری و تبیین بیانات مقام معظم رهبری در زمینه‌ی جهاد علمی هستیم؛ دو: پایان نامه‌ی «جهاد علمی و فرهنگی از منظر قرآن» در سال ۱۳۹۴ به قلم سلمی زابلی‌نیا؛ در این نوشته نیز، با توجه به آیات قرآن به ویژه آیه‌ی ۵۲ فرقان، به تبیین جهاد علمی و فرهنگی پرداخته شده است.

همچنین مقالاتی در جهت تفسیر و تبیین آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی فرقان (که مرتبط با بحث جهاد علمی است) نگاشته شده است به عنوان مثال:

مقاله‌ی «مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن و تبیین عرصه‌های آن» در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تفسیر و زبان قرآن به قلم محمود کریمی و محمدرضا بخشی نگاشته شده که صرفاً مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن و عرصه‌های آن در برخی سطوح پرداخته است.

نکته‌ی شایان ذکر اینکه: در آثار یاد شده، فقط ماهیت جهاد علمی و آیات مرتبط با آن تبیین شده؛ در حالی که در پژوهش حاضر، به تبیین شرایط تحقق جهاد علمی در کلام رهبری و مستندسازی قرآنی آن پرداخته شده است.

۳. شرایط بینشی تحقق جهاد علمی

از جمله شرایط مؤثر در تحقق جهاد علمی مطرح شده در بیانیه‌ی گام دوم رهبر انقلاب اسلامی، شروط بینشی تحقق جهاد علمی در کلام رهبری و مستندات قرآنی آن‌ها است؛ مقصود از آن‌ها، همان شروط بنیانی و زیربنایی هستند که با تبیین در آیات و روایات و تفحص در آثار گفتاری و نوشتاری مقام معظم رهبری، می‌توان به مصادیق متنوعی از آن‌ها دست

یافت؛ از باب نمونه، به ذکر و بررسی عناوین ذیل بسنده می شود:

۳-۱. اعتقاد به خودباوری (باور به شعار ما می توانیم)

یکی از شرایط بینشی مؤثر در تحقق جهاد علمی (که در کلام رهبر انقلاب بر آن تأکید شده)، عبارت است از اعتقاد به «خودباوری»؛ جهت کسب فهمی مناسب نسبت به این شرط بنیادین، توجه به مباحث ذیل سودمند خواهد بود:

۳-۱-۱. چیستی «خودباوری»

خودباوری (self-confidence) واژه‌ای مرکب از خود (self) و باور (belief) است. معنی واژه خود عبارت است از احساسات و ادراکاتی که هرکس از کل وجود خویشتن دارد. این مفهوم سبب می شود که با وجود تغییر و تحولاتی که در طول زمان برای آدمی پیش می آید شخص پیوسته احساس دوام و استمرار کند (شرفی، ۱۳۷۹: ۱۸). یکی از محققان، در تعریف از این تعبیر چنین نگاشته: خودباوری یعنی اینکه نیرویی قدرتمند در درون انسان‌ها است؛ این تعبیر شامل اعتقاد بر توانایی‌ها به منظور مقابله با چالش‌های اساسی و باور به حق خویش همچون ارزشمندی، و شایستگی است؛ و تذکر سخن رهبری در تعریف خود باوری، عبارت است از: تمایل به احساس شایستگی در مواجهه شدن با چالش‌های زندگی (آزاد، ۱۳۹۵: ۸).

۳-۱-۲. ارزش «خودباوری»

خودباوری از ارکان مهم سازنده‌ی شخصیت فرد و جامعه است و عاملی تعیین کننده در رسیدن افراد، جوامع، ملت‌ها و دولت‌ها به عزت و سربلندی به‌شمار می آید و وجود این خصلت نشانه‌ای از قدرت و کمال آن فرد و جامعه است، با پیدایش خودباوری در افراد و ملت‌ها، استعدادها شکوفا و معضلات و مشکلات، برطرف می شود (علی زاده، ۱۳۹۲: ۵). از نظر رهبر انقلاب، روحیه‌ی خودباوری، دستاورد بزرگی است که باید آن را حفظ و تقویت کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ / ۶ / ۲۵). معظم له در خلال یکی از سخنرانی‌های حکیمانه‌ی خود فرموده است:

«پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت، ثانیاً؛ حرکت جهادگونه، ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت



علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد
(بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۷/۳).

رهبر انقلاب اسلامی همواره تأکید دارند بر اینکه، این روحیه‌ی خودباوری، همان روحیه‌ای است که امام خمینی رحمته‌الله به دنبال زنده کردن آن در مردم و جوانان بودند و راز حرکت یک ملت را به سمت معنویات و مادیات را خود باوری می‌دانند. «خودباوری در یک کلام همان شعار «ما می‌توانیم» است. یکی از شعارهای امام، مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم می‌گفت و تکرار می‌کرد شما می‌توانید. شما قادرید در علم و صنعت و در کارهای اساسی، اداری کشور و غیره، روی پای خودتان بایستید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۴). از نظر ایشان علم و ایمان در طول تاریخ مایه‌ی قدرت بوده و هستند؛ خواه آن علم منجر به فن‌آوری شود یا نشود. دانش چون باعث ایجاد قدرت نظامی، سیاسی و تولید ثروت می‌شود، مایه‌ی اقتدار است. ایشان به‌روایتی استناد می‌کنند که می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالًا بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلًا عَلَيْهِ؛ دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و پیروز شود، و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گردد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۲۰) در توضیح روایت هم می‌فرمایند:

«مسئله، دو طرف دارد: اگر علم داشتید، می‌توانید سخن برتر را بگویید، دست برتر را داشته باشید - «صال» یعنی این - اگر نداشتید، حالت میانه ندارد؛ «صیل علیه». پس کسی که علم دارد، او دست برتر را بر روی شما خواهد داشت؛ در مقدرات شما دخالت می‌کند؛ در سرنوشت شما دخالت می‌کند؛ بنابراین باید روی علم تکیه کرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۱۱/۱۳).

۳-۱-۳. مستندات قرآنی شرط «اعتقاد به خود باوری»

در تعدادی از آیات قرآن کریم، به‌طور غیرمستقیم بر «اعتقاد به خودباوری» تأکید شده است؛ از باب نمونه:

یک: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب خود باشید، هنگامی که شما هدایت

یافتید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به‌شما زبانی نمی‌رساند، بازگشت همه‌ی شما به‌سوی خداست و شما را از آنچه عمل می‌گردید آگاه می‌سازد ﴿مانده: ۱۰۵﴾ طبق این آیه‌ی شریفه، انسان باید، احساس مسئولیت کند و در قبال ذات و نفس خویشتن مراقبت داشته باشد. چون در نظام اعتقادی و تربیتی اسلام، انسان ارزشمند و قابل اکرام است؛ زیرا خداوند جهان هستی را برای انسان و گرامی داشت او خلق کرده و فرموده ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را بر مرکب برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم ﴿اسراء: ۷۰﴾ (بنابراین انسان در قبال خویشتن، خواه خویشتن فردی باشد یا اجتماعی، مسئول است. جامعه‌ی اسلامی باید با احساس ارزشمندی و مسئولیت‌مداری به‌خودباوری برسد؛ چرا نقطه‌ی شروع و اعتماد به‌نفس، خودشناسی و خودباوری است که محصول اعتماد به‌نفس است (پورکریمی، ۱۳۸۶: ۶). در نتیجه برای رسیدن به‌موفقیت در هر عرصه‌ای از جمله جهاد علمی می‌بایست به‌خودباوری رسید و به‌آن اتکاء نمود.

دو: خدای متعال در آیه‌ی دیگری، خطاب به‌مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید ﴿آل‌عمران: ۱۳۹﴾ (طبق گفته‌ی راغب اصفهانی، واژه‌ی ﴿وَلَا تَهِنُوا﴾ مأخوذ از ماده‌ی «وهن»)، به‌معنای ضعف در خلقت است. ولی مراد آیه، نهی مسلمین از ضعف در عزم و اهتمام بر اقامه‌ی دین بر قتال با دشمنان می‌باشد. کلمه‌ی «حزن» به‌معنای اندوه و در مقابلش کلمه‌ی «فرح» به‌معنای سرور است. حزن وقتی به‌انسان دست می‌دهد که چیزی را که داشته و یا دوست می‌دارد از دست داده و یا ندارد. جمله‌ی ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ...﴾ در مقام تعلیل مطلب واقع شده؛ زیرا نهی از وهن و حزن، نهی از وهن و حزنی است که در خارج واقع شده بوده نه از وهن و حزن فرضی و اگر این جمله را مطلق آورده، برای این است که به‌ما بفهماند شما مسلمانان اگر ایمان داشته باشید نباید در عزم خود سست شوید، و نباید به‌خاطر اینکه بر دشمنان ظفر نیافته‌اید و نتوانسته‌اید از آنان انتقام بگیرید اندوهناک گردید،

برای اینکه ایمان امری است که با علو شما قرین و توأم است؛ پس به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود زیر دست کفار واقع شوید، چون ایمان ملازم با تقوا و صبر است، و ملاک فتح و ظفر هم در همین دو است. اگر علو مسلمانان را مشروط کرد به ایمان، با اینکه خطاب به مسلمانان با ایمان است، برای این بود که اشاره کند به اینکه هر چند مخاطبین مسلمان و مؤمن بودند، اما آن‌ها به مقتضای ایمانشان عمل نکردند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷/۴).

مقام معظم رهبری خود باوری را لازمه‌ی جهاد علمی می‌داند و معتقدند که:

بدترین مشکلی که کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته‌ی این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید: مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این طوری شود. البته این چیزها در کوتاه‌مدت اتفاق نمی‌افتد؛ اما اگر شما امروز در راه درست قدم بردارید، هیچ اشکالی ندارد که پنجاه سال دیگر، جهت اتوبان علم - که امروز یک طرفه و از یک سو به سوی دیگر است - یا دو طرفه شود، یا یک طرفه و از این سو به آن سو شود؛ چه مانعی دارد؟ مگر یک روز این طور نبود؟ یک روز علم را غربی‌ها از شرق و از همین ایران گرفتند. پایه‌گذار بسیاری از علوم‌ی که امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هستند. در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانس اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده‌ی خلاق علم شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۱۷/۳).

۲-۳. گفتمان‌سازی و آرمان‌خواهی تفکر جهاد علمی در سطح جامعه

یکی دیگر از شرایط بینشی که در کلام رهبر انقلاب برای تحقق جهاد علمی بر آن تاکید شده گفتمان‌سازی و آرمان‌خواهی تفکر جهاد علمی در سطح جامعه است که ابتدا تعریفی از آن ارائه می‌شود و سپس بیانات رهبر انقلاب در مورد شرطیت گفتمان‌سازی تفکر جهادی برای تحقق آن در سطح جامعه صحبت می‌شود.

۱-۲-۳. چیستی مفهوم «گفتمان»

یک: از نگاه دیگران

گفتمان‌سازی کلمه‌ای است فرع بر واژه‌ی گفتمان و به معنای تبدیل کردن ایدئولوژی‌ها به گفتمان است. گفتمان («Discourse») به معنی «حرکت سریع در جهات مختلف» است (عضدانلو؛ ۱۳۸۰: ۴) و از واژه‌های پرکاربرد و مناقشه‌انگیز، و در روزگار ما مترادف قدرت شده است. میشل فوکو نیز گفتمان را نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش می‌داند. از نظر او هر رشته‌ی خاص از دانش در هر دوره‌ی خاص تاریخی، مجموعه‌ای از قواعد و قانون‌های ایجابی و سلبی را دارد که معین می‌کند درباره‌ی چه چیزهایی می‌توان بحث کرد و درباره‌ی چه چیزهایی نمی‌توان وارد بحث شد. همین قواعد سازنده موضوعات هستند» (سلیمی نوه، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۳). برخی نیز گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده و پیوند یافته» دانسته‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۰). بنابر دیدگاه ایشان، هر گفتمانی برای استقرار در اذهان عمومی می‌بایست دیگری و ضد خود را معرفی کند؛ چراکه گفتمان‌ها اساساً در غیریت‌سازی‌ها شکل می‌گیرند. غیریت‌سازی در آن واحد دو کار اساسی انجام می‌دهد؛ از جهتی بایی‌قرارسازی دال‌های تثبیت شده و چالش‌اندازی گفتمان مقابل، آن‌ها را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد و از جهتی دیگر، در تثبیت‌سازی و هویت‌یابی گفتمان خویش نقش بسزایی دارد؛ همچنین از طریق دستگاه‌های ایدئولوژیک هویت‌بخشی و مبارزه‌طلبی، مطالبات عده‌ی خاصی از آن جامعه به‌تصور اجتماعی تبدیل می‌شوند؛ در این صورت آن گفتمان مصداقی از تقاضاهای عمومی معرفی می‌شود و این ماحصل هر گفتمانی است (ناظمی اردکانی، ۶۸: ۱۳۹۷).



دو: از نگاه مقام معظم رهبری

با توجه به بیدیهی بودن مفهوم «گفتمان»، مقام معظم رهبری به بازدهی آن پرداخته؛ و چنین فرموده است:

«گفتمان‌سازی برای این است که اندیشه‌ی دینی، معرفت دینی در مخاطبان، رشد پیدا کند. اندیشه‌ی دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند» (بیانات مقام معظم رهبری: ۸۸/۹/۲۲).

معظم‌له همواره بر گفتمان‌سازی علم و عدالت در سطح جامعه تاکید داشته‌اند و این را از وظایف نخبگان می‌دانند. و می‌فرمایند:

«ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته‌شده در بیاوریم؛ مسئله‌ی علم از همین قبیل بود که یک گفتمان شد و به طور طبیعی وارد جریان عملی شد، عملیاتی شد و به صورت یک جریان درآمد؛ این [مسئله] هم همین جور است. مسائل مربوط به نقشه‌ی جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به صورت جدی اجرا بشود» (بیانات: ۱۳۹۴/۴/۱۳).

نتیجه‌ی سخن اینکه: گفتمان‌سازی تفکر جهادی یعنی مطالبه‌گری و هم‌افزایی تلاش‌ها در سطوح مختلف جامعه در مغلوب کردن گفتمان مقابل و ریل‌گذاری مطالبات بر حق جامعه علمی و نخبگانی جامعه است.

راز تاکید اسلام بر مسئله‌ی علم، به جهت دنیای مطلوب و آرمانی است که اسلام دنبال آن است. خداوند در سه آیه (ر.ک: فتح: ۲۸، توبه: ۲۳، صف: ۹) غایت ارسال پیامبر اسلام ﷺ را تسلط و چیرگی بر دیگر آیین‌ها معرفی می‌کند (کریمی، ۱۳۹۹: ۲۰۲) و حاصل و ثمر این تسلط و چیرگی، حیات طیبه‌ای است که حاصل نمی‌شود، مگر آنکه تمدن نوین اسلامی جاری شود و تمدن اسلامی هم ماحصل گفتمان‌سازی و آرمان خواهی تفکر جهادی در تمام سطوح جامعه است. در واقع، آرمان خواهی و هدف غایی دین مقدس اسلام، ایجاد حیات

طیبه و بنای تمدن اسلامی است: ﴿فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً﴾ (نحل: ۹۷) از سوی طبق آیهی ﴿اسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِیْكُمْ﴾ (انفال: ۲۴) دعوت پیغمبر و همه‌ی پیغمبران نیز به حیات طیبه است. مراد از «حیات طیبه» همه‌ی چیزهایی است که بشر برای به‌زیستی خود، برای سعادت خود به‌آن‌ها احتیاج دارد. در اندیشه‌ی راهبردی مقام معظم رهبری، عزت ملی جزء حیات طیبه است:

«ملت ذلیل، توسری‌خور، حیات طیبه ندارد. استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و به‌دیگران، جزء حیات طیبه است. حیات طیبه را فقط در عبادات و در کتاب‌های دعا که نباید جستجو کرد؛ واقعیات زندگی این‌ها است. یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند؛ پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. یک ملتی اگر بتواند در مجموعه‌ی دانش جهانی و مدیّت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کلّ بشریت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد؛ در واقع یکی از اجزای حیات طیبه را محقق کرده است؛ البته این پیش‌رانی در علم و تمدن بشری، باید همراه با معنویت باشد. انقلاب می‌خواهد ما را به‌اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری از آثار جهاد علمی برای یک ملت است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۲۵).

شرط لازم در کلام رهبری برای رسیدن به این حیات طیبه، تحقق جهاد کبیر یعنی عدم تسلیم در برابر خواسته‌های دشمنان و خودباوری است و شرط دیگر گفتمان‌سازی و آرمان‌خواهی، یعنی ایجاد مرجعیت انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف علمی است. حیات طیبه یا ایجاد تمدن نوین اسلامی یعنی اینکه که مناسبات فردی و اجتماعی کشورها در آن، بر پایه‌ی نگاه توحیدی بنا نهاده شده باشد.

به‌عبارت ساده‌تر، جمهوری اسلامی **اولا:** باید زنده بماند و حیات خود را در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تثبیت کند که این همان اقتدار است. **ثانیاً** باید با برهم زدن تمدن غرب و نظام سلطه، کشورهای دیگر جهان را نیز زنده کند که همان مرجعیت

علمی است. «اقتدار»، مأموریت کوتاه مدت جمهوری اسلامی و «مرجعیت»، مأموریت بلند مدت است؛ پس می‌توان تمام آرمان‌های جمهوری اسلامی را در بیانات مقام معظم رهبری در دو دسته، اقتدار و مرجعیت علمی جمع‌بندی کرد (مدنی و قیصری، ۱۳۹۴: ۴۰). بنابراین با خودباوری و گفتمان‌سازی علمی در سطح بین‌المللی و ترسیم جامعه‌ی آرمانی و بنای حیات طیبه جهاد علمی محقق خواهد شد.

۴. شرایط عملی تحقق جهاد علمی در کلام رهبری و مستندات قرآنی آن

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ سیاست‌های کلی علم و فناوری را ابلاغ کردند که یکی از این سیاست‌ها، جهاد مستمر علمی همراه با هدف کسب مرجعیت علمی در جهان است؛ ایشان در راستای رسیدن به جهاد علمی مستمر، اموری همچون: توسعه تحقیقات علمی بنیادی، تشکیل کرسی‌های آزاد اندیشی و مجالس تبادل آرا و تضارب افکار، تربیت نخبگان و سپردن میدان به‌آن‌ها را لازم دانستند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۶/۲۹) که در ذیل به تفصیل از آن‌ها بحث می‌شود.

۴-۱. ارائه‌ی پژوهش‌های بنیادین

۴-۱-۱. تبیین اهمیت پژوهش‌های بنیادین

از جمله شرایط عملی تحقق جهاد علمی در کلام رهبری، عبارت است از: «ارائه‌ی پژوهش‌های بنیادین». ایشان در بحث تولید و تکثیر سلول‌های بنیادین چنین می‌فرمایند: «چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی به‌من دادند. این کار بسیار عظیم و پیچیده علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی‌سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به‌نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته‌ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده‌ی پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به‌عنوان یک انقلاب پزشکی نام می‌برد. یک گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعا جهادی که از همین بچه‌های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسئله چند سال کار کرده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند - البته باید کار

ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی اش برسد - که ان شاء الله خودشان اعلان خواهند کرد؛ بنابراین ما چنین زمینه‌های رشد علمی و فکری در کشور داریم که از ارزش بالایی برخوردار است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۰۵).

هم چنین با همین رویکرد در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی چنین آورده‌اند: «اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان این است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.» (بیانیه گام دوم انقلاب).

۲-۴. توجه دادن به پیامدهای کم توجهی به علم آموزی و بازدهی رشد علمی

در نگاه نظام‌مند مقام معظم رهبری، علم به مثابه‌ی کلید اقتدار و آقایی مسلمانان بر جهان یاد می‌شود. ایشان اعتقاد دارند فردای بدون علم، تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه‌ی صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. کسانی که دنیای معاصر را از حیث علمی و عملی در چنبره‌ی خود دارند، علم را به‌زیر آورده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۱۴). از این رهگذر، تأکید فراوان می‌کنند که باید علم را فرارگرفت، بلکه بایسته است که تولیدکننده و صادرکننده آن شد و به‌مصرف آن نباید دل خوش کرد. روش تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنی مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به منابع عقلی است که پشتوانه آن وحی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۷/۱). در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۰). نکته‌ی بسیار مهم در مباحث ایشان در باب علم، اقدام مسلمانان در شکستن مرزهای دانش است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۷). تأکید ایشان بر این است که تحجر و جزم‌گرایی در باب یافته‌های علمی گذشتگان و متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است (معنی پور و لکزی، ۱۳۹۱: ۵۱-۶۹) و قائل هستند بر اینکه «مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق جهاد محسوب می‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۲/۶).

۳-۱-۴. تشریح ضرورت توجه به جنبش نرم افزاری

وارد شدن در عرصه‌ی پژوهش، ارائه‌ی تحقیقات علمی و فناوری به‌نوعی جنبش و نهضت نرم افزاری نیاز دارد؛ زیرا «اندیشه‌ی خلاق با به‌کارگیری روش علمی و پژوهشی تحلیل رویدادها و پدیده‌ها، با نگاهی جستجوگر از میان گستره‌ای از پرسش‌ها به‌مسئله‌ی اساسی پی می‌برد. با شناخت پرسش اساسی از مجموعه پرسش‌ها با نگاهی پویا به‌پیشینه‌های انجام شده در تحلیل مسئله‌ی موردنظر توسط دیگران، مسیر بررسی و تحلیل خود را خواهد یافت. پس از جمع‌بندی و تحلیل گسترده‌تر از موضوع، به‌اندیشه‌های قوام یافته‌تر می‌رسد که آن را در جهان واقعی برای عبور از موانع موجود در مسیر حل مسئله به‌کار می‌بندد تا میزان درستی آن مشخص گردد» (ریاضی، ۱۳۹۰: ۱۵) و «پژوهش یعنی فعالیتی منظم که به‌کشف و گسترش دانش و حقیقت می‌انجامد» (عارف‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴).

۴-۱-۴. ضرورت پژوهش‌های بنیادین از منظر قرآن

خداوند نیز در قرآن عده‌ای از مومنین را به‌جهاد و جنگیدن در میدان جنگ و عده‌ای را به‌فراگیری معارف و لو به‌کوچ کردن از مکانی به‌مکان دیگر دعوت می‌کند، و چنین می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند﴾ (توبه: ۱۲) طبق گفته‌ی مفسران، این آیه دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی، و به‌تعبیر دیگر هم تحصیل را واجب می‌کند، و هم یاد دادن را، و اگر دنیای امروز به‌تعلیمات اجباری افتخار می‌کند، قرآن در چهارده قرن پیش علاوه بر آن بر معلمین نیز این وظیفه را فرض کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳۹۳/۹)؛ از آنجا که پژوهش‌های بنیادین در حوزه‌ی علوم انسانی و غیر آن تاثیر بسزایی دارد و آیه بر وجوب تعلیم و تعلم دلالت دارد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که: یکی از مواردی که آیه‌ی مذکور بر انجام آن دلالت می‌کند؛ ارائه‌ی پژوهش‌های بنیادین است.

۲-۴. برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی

۱-۲-۴. چپستی کرسی‌های آزاد اندیشی

از دیدگاه مقام معظم رهبری آزاد اندیشی یعنی آزادانه فکر کردن، تصمیم گرفتن، ترجمه‌ای و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای غرب حرکت نکردن است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۱۵). از این‌رو؛ جهت تولید فکر می‌بایست کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاد اندیشی در مجامع و مراکز علمی ایجاد شود. در واقع کرسی آزاد اندیشی یعنی فضایی که در آن اظهار نظر علمی به دور از فشار و هیاهو و جنجال و تشویق و تحریض دیگران انجام می‌گیرد (مرتضوی و خاتمی، ۱۳۹۲: ۳).

۲-۲-۴. منزلت قرآنی کرسی‌های آزاد اندیشی

اصل اندیشه‌ورزی و تفکر یکی از ارزش‌های قرآنی است که خداوند آن را از ویژگی‌های صاحبان خرد دانسته و این امر را دلیل دستیابی آنان به حقیقت و حقانیت آفرینش معرفی می‌کند (فرزانه، ۱۳۹۸: ۱۹۷)؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشمندان است ﴿آل عمران: ۱۹۰﴾ در آیه مردم را به اندیشه در این آفرینش بزرگ جلب و جذب می‌کند، تا هرکس به اندازه‌ی پیمانه‌ی استعداد و تفکرش از این اقیانوس بی‌کران سهمی ببرد و از سرچشمه‌ی صاف اسرار آفرینش سیراب گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۲۱۴).

۳-۲-۴. ارکان کرسی آزاد اندیشی از منظر قرآن کریم

از تتبع در آیات شریفه قرآنی، مشخص می‌شود که برای درستی «کرسی‌های آزاد اندیشی»، ارکانی مطرح است؛ از جمله:

یک: اینکه روح حاکم بر آن، آزاد اندیشی معقول و مصون از هر فشار و هیاهوی غیر مناسب باشد؛ خدای متعال در خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن‌ها گروهی ناآگاهند ﴿توبه: ۶﴾ یعنی در



نهایت آرامش با اورفتار کن، و مجال اندیشه و تفکر را به آن‌ها بده تا آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو پردازند، اگر نور هدایت بر دل آن‌ها تابید آن را بپذیرند. بعد اضافه می‌کند که «او را پس از پایان مدت مطالعه به جایگاه امن و امانش برسان» تا کسی در اثناء راه مزاحم او نگردد، سرانجام علت این دستور سازنده را چنین بیان می‌کند که: «این به خاطر آن است که آن‌ها قومی بی اطلاع و ناآگاهند». بنابراین اگر درهای کسب آگاهی به روی آن‌ها باز گردد، این امید می‌رود که از بت پرستی که زائیده‌ی جهل و نادانی است خارج شوند، و به راه توحید و خدا که مولود علم و دانش است گام بگذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۷).

دو: ادای سخنی مستدل: خداوند در تمجید از اقدام شایسته‌ی «مومن آل فرعون» فرموده است: ﴿وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم» (غافر: ۳۸) در این آیه مومن آل فرعون با استدلال (سبیل الرشاد) با دیگران احتجاج می‌کند.

سه: حفظ صبوری و بردباری؛ پروردگار کریم، در خطاب به رسول اکرم ﷺ فرمود: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِثْكَارِ؛ پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده‌ی خدا حق است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور» (غافر: ۵۵) بعد از آنکه داستان موسی ﷺ و فرستادن مومن آل فرعون را به سوی فرعون و قومش را بیان کرد، و نیز مجادله‌ی آن‌ها به باطل را با آل فرعون و نیرنگ بازی قوم فرعون را خاطر نشان ساخت، حالا می‌فرماید: پس تو باید در مقابل آزار مشرکین و مجادله‌ی آنان به باطل صبر کنی که وعده‌ی خدا حق است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۳۴۱ - ۳۴۰).

چهار: آراسته بودن به برهانی روشن و قابل فهم همگانی؛ خالق متعال، در مقام تبیین ویژگی‌های فرمان رسالتی حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: ﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛ ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم» (هود: ۹۶) ادعای نمایندگی از جانب خدا باید همراه نشانه و دلیل باشد. ﴿أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ منطق و معجزه‌ی انبیاء ﷺ برای همه‌ی مردم، روشن و قابل فهم است. ﴿مُبِينٍ﴾

(قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۱۷/۴) پس برای ارائه هر ادعایی می‌بایست، ادله‌ی آن روشن و قابل فهم عموم مردم باشد.

پنج: پرهیز از مراء و جدال؛ خدای حکیم، طی دستورالعمل کاری، خطاب به رسول اکرم ﷺ فرمود: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ با حکمت و اندرز نیکو، به‌راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به‌روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به‌هدایت‌یافتگان داناتر است﴾ (نحل: ۱۲۵) مردم را با گفته‌های درست و استوار و اندرزهای نیکو، دعوت کن. ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ با روش و طریق نرم و ملایم با آن‌ها مجادله و مدارا و حسن معاشرت کن که بهترین طریقه بحث و مناظره است، یعنی با آن‌ها مجادله کن بدون هرگونه درشتی و ناراحتی، تا زودتر دعوت تو را اجابت کنند. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۴/۲) یعنی جدال احسن آن است که از هر نوع مراء و بد رفتاری به‌دور است و توامان با حکمت و حسن معاشرت است.

۴-۲-۴. بازدهی کرسی‌های آزاد اندیشی

کرسی‌های آزاد اندیشی در جهت تولید فکر و تحقق جهاد علمی و فرهنگی مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی بسیار مفید و کارساز هستند؛ از این‌رو باور مقام معظم رهبری این است که: برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی به‌پیشرفت کشور کمک شایانی می‌کند و باید دارای شاخصه‌های باشند تا متکلمین در مناظرات علمی و مخاطبین‌شان دچار انحطاط و انحراف نشوند «آن‌که کمک می‌کند به‌پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرها است؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هیاهو و جنجال ترسیدن، به‌تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به‌این تشویق نشوید. به‌قول رائج بین جوان‌ها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور

﴿بَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾؛ سخن را باید شنید، بهترین را انتخاب کرد» در قرآن است ﴿ (زمر: ۱۷- ۱۸) (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۶). از ثمرات نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و فکر است. رشد ملت‌ها تابع توان علمی آنها است، ملت عقب مانده از علم آینده‌ی روشنی نخواهد داشت، جامعه گرفتار هرج و مرج چه از نظر سیاسی و چه نظر اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به پیشرفت علمی و معرفت نائل نمی‌شود (صبری، ۱۳۸۱: ۳۳).

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت در تحقق جهاد علمی، ارائه و تدوین مقاله و پژوهش‌های علمی و عقلی بنیادی و برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی در همه‌ی سطوح علمی لازم و الزام‌آور است و برای رسیدن به‌قله‌ای دانش جهانی لازم است که از تجربه‌های مطمئن علمی و عقلی و گران‌بهای دیگران استفاده شود تا جامعه‌ی علمی و جامعه‌ی اسلامی رکورددار در همه‌ی دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادین و نانو و هوافضا و امثال آن، و سرآمد در تولید فکر و اندیشه و خدمات اجتماعی واقع گردد و این همان حیات طیبه و تمدن اسلامی نوین است.

۲-۴. تربیت نخبگان و سپردن میدان به ایشان

۱-۲-۴. تبیین مفهوم نفوی و اصطلاحی «نخبه»

نخبه از ریشه‌ی «نخب» به معنای جدا کردن و برگزیدن است؛ یعنی جدا و گزین شده، کلمه‌ی انتخاب از همین ریشه است که به معنای برگزیدن و جدا کردن می‌دهد. در زبان لاتین معادل (Elite) به معنای برگزیده است. در زبان فارسی مترادف کلمات برگزیدگان، زبندگان و سرآمدان و تراز اول است (بسطامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱). فرهنگ دهخدا نخبه‌را به برگزیده هر چیزی، انتخاب شده، مختار، بهتر هر چیز خوب و برگزیده، زبده، گزیده و گزین معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۳۷۶). در اصطلاح به‌طور اخص نخبه‌کسی است که اثر گذاری وی در تولید و گردش علم، هنر و فن‌آوری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد. هوش، خلاقیت، کار آفرینی و نبوغ وی در جهت تولید و گسترش دانش و همچنین نوآوری، موجب سرعت بخشیدن رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه گردد (بسطامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱).

۲-۳-۴. معادل و مترادف «نخبه» در قرآن

واژه‌ی نخبه در قرآن نیامده اما الفاظ معادل و مترادف آن در این برترین کتاب آسمانی به‌کار رفته است؛ اما در خلال آیات شریفه، با واژه‌هایی مواجه هستیم که می‌توانند حاکی از ویژگی‌های رفتاری و بینشی نخبگان باشند؛ از باب نمونه:

۱. اولوالالباب (بقره: ۱۹۱ - ۲۹۶؛ آل عمران: ۷؛ مانده: ۱۰۰؛ یوسف: ۱۱۱؛ رعد: ۱۹؛ کهف: ۱۰)؛
۲. عباد الرحمن (فرقان: ۶۲)؛
۳. اجتباء (نحل: ۱۲۱)؛
۴. اصطفی (فاطر: ۳۲)؛
۵. اسوه حسنه (ممتحنه: ۶)؛

۳-۳-۴. لزوم تلاش در جهت تربیت نخبه‌پروری و تبیین منزلت ولای آنان

از جمله راه‌کارهای عملی جهت تحقق جهاد علمی در بیانات حکیمانه‌ی مقام معظم رهبری، تربیت نخبگان متعهد و واگذاری امور مرتبط به‌نخبگی به‌ایشان است. مقام معظم رهبری با اشاره به‌لزوم پرورش استعدادها و وجود استعداد فراوان جوانان کشور خاطر نشان کردند دارندگان این‌گونه استعدادها، بیش از هرکس و هر عامل دیگر، مسئول شکوفایی و به‌ثمر رسیدن استعداد خود هستند و باید با تلاش بی‌وقفه، کشور را به‌قله‌های رفیع افتخار برسانند. ایشان درس خواندن را برای دانش‌آموزان و دانشجویان، نوعی فریضه و در اولویت کامل برشمرده‌اند. (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۱۱۸) اگر استعدادهای موجود به‌خوبی پرورش یابند، آینده‌ی علمی کشور از استحکام لازم برخوردار خواهد شد و عقب ماندگی‌های علمی و تاریخی جبران می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۸). ایشان تربیت نخبگان را که از آن‌ها با عنوان «افسران جنگ نرم» نام می‌برند، فتح الفتوح انقلاب می‌دانند. درواغ؛ در جنگ نرم، قدر مسلم، نخبگان فکری‌اند، که باید به‌میدان بیایند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرم هستید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۴) فتح الفتوح این انقلاب تربیت جوان‌ها و رشد دادن این نهال‌های بالنده است؛ این‌را یک وقت امام فرمودند؛ حق با ایشان



بود؛ کاملاً درست فرمودند؛ حکمت امام [بود]؛ این همه فتوحات و این همه کارهای مهم، در مقابل این کوچک است؛ تربیت انسان‌های برجسته (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). در نتیجه تلاش جدی برای تولید علم و دانش، وظیفه‌ی تاریخی نخبگان، عالمان و محققان کشور است و مسؤولان نیز در فراهم ساختن زمینه‌ی تحقق این هدف بسیار مهم، وظایف سنگینی بر عهده دارند. حضور پرانگیزه، مصمم و قوی نخبگان در عرصه‌ی تولید علم، کاملاً ضروری است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۱/۲۱).

نتیجه‌گیری

جهاد علمی همان حرکت شتابان به سوی قله‌های دانش جهانی و تلاش و کوشش شایسته برای به دست آوردن اوج و اقتدار علمی است، چراکه از منظر قرآن جهاد کبیر یا جهاد فکری و علمی عاملی است در قوی شدن مسلمانان از طریق اجرای آموزه‌های موجود در قرآن و سنت برای ایستادگی در برابر دشمنان، در همین راستا مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز، علم و پژوهش را، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت و روی دیگر توانایی می‌دانند و جهاد علمی را، موتور پیشران و نقطه‌ی اوج جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. البته برای تحقق جهاد علمی، شروطی لازم است که بخشی از آن‌ها، شروط پیشنی هستند؛ از قبیل: احساس مسئولیت داشتن و اعتقاد به خود باوری و باور داشتن به شعار «ما می‌توانیم» در تمام سطوح جامعه علمی بخصوص جامعه‌ی علمی کشور و گفت‌وگو سازی و مطالبه‌ی آرمان خواهی، گسترش تفکر جهاد علمی در عموم مردم. دسته‌ای دیگر از این شرایط، شرایط عملی و رفتاری می‌باشند؛ همانند: حرکت جهادی در تولید علم و تفکر بر مبنای فرهنگ خودی از طریق تدوین و ارائه‌ی پژوهش‌های علمی و عقلی بنیادین و برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی در حوزه و دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها و تربیت و پرورش نخبگان و سپردن میدان کارزار به این افسران جنگ نرم.

وقتی آحاد مردم با اعتماد به نفس و خودباوری و اتکا به خداوند متعال و تکیه بر علم و پژوهش، به مرحله‌ای می‌رسند که با گام‌های استوار در همه‌ی عرصه‌ها اعم از نانو، هسته‌ای، هوا فضا، سلول‌های بنیادین، تولید واکسن و غیره و تبدیل ایدئولوژی و شعار ما می‌توانیم

به‌گفتمان و مطالبه‌ی عمومی جامعه و آرمان خواهی این مطالبه‌ی بر حق در همه‌ی سطوح جامعه و تولید علم و فکر با انجام و تدوین پژوهش‌های بنیادین علمی و عقلی و برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در مراکز مهم علمی و پژوهشی و پرورش افسران جنگ نرم و علمی در حوزه و دانشگاه‌ها، جهاد علمی و فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی و حتی فراتر از مرزهای جامعه‌ی اسلامی محقق خواهد شد، با تحقق جهاد علمی و اقتصادی جامعه به‌حیات طیبه‌ای می‌رسند که هدف غایی آن، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی خواهد بود.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن منظور، محمدبن کریم، (۱۴۱۲). *لسان العرب*، چ ۳، دارالفکر، بیروت.
۳. احتشام، حسن، (۱۳۸۸). *خاستگاه تولید علم در قرآن*، فصلنامه دین و سیاست، ش ۱۹-۲۰.
۴. اسماعیلی کل گچی، محمد، (۱۳۹۶). *تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری* (با تأکید بر تمدن اسلامی)، دانشگاه معارف اسلامی، قم.
۵. بسطامی، بهزاد، همکاران، (۱۳۹۹). *تبیین شاخصه‌های نخبگی، استراتژی و باز تعریف آن از منظر قرآن*، آموزه‌های قرآنی، ش ۳۱.
۶. بهنیا، احمدرضا، (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی فرهنگی و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز*، پژوهش‌های اعتقادی و کلامی، ش ۱۳.
۷. جبعی عاملی زین‌الدین بن علی، (شهید ثانی)، (۱۴۰۸). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، چ ۱، دارالعلم الاسلامی، بیروت.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، دارالعلم للملایین، بیروت.
۹. حسینی دشتی، سیدمصطفی، (۱۳۷۹). *معارف و معارف*، موسسه‌ی فرهنگی آرایه، تهران.
۱۰. حسینی زاده، سیدمحمدعلی، (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*، دانشگاه مفید، قم.
۱۱. خسروانی، عباس، عین القضاتی، پیمان، (۱۳۹۸). *نقش علم در فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، سال ۹، ش ۲.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، چ ۱، دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۲). *المفردات فی الفاظ القرآن*، دارالعلم، بیروت.
۱۴. ریاضی، جهانگیر، (۱۳۹۰). *آموزش و تولید علم*، مجله آموزش رشد، ش ۱.
۱۵. سلیمی نوه، اصغر، (۱۳۸۸). *گفتمان در اندیشه‌ی فوکو*، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۹.
۱۶. شرفی، محمدرضا، (۱۳۷۹). *جوان و بحران هویت*، چ ۱، سروش، تهران.
۱۷. صبری، حمید، (۱۳۸۶). *جنبش نرم افزاری یا نهضت تولید علم و اندیشه*، ماهنامه‌ی روابط عمومی ایران، ش ۵۶.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۲، موسسه اعلمی للمطبوعات، تهران.
۱۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۴۱۲). *جوامع الجامع*، چ ۱، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.
۲۰. _____، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، مرتضوی، تهران.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، چ ۳، مرتضوی، تهران.

۲۱. عارف‌نژاد، غلامرضا، (۱۳۸۹). *ساختار پژوهش از منظر قرآن و روایات فقهی*، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ش ۲۳.
۲۲. عضدانلو، حمید، (۱۳۸۰). *گفت‌وگو با جامعه*، چ ۱، نی، تهران.
۲۳. علی‌زاده، فرشته، (۱۳۹۲). *شناسایی و تحلیل ابعاد و مولفه‌های خودباوری در روایات امام علی (ع)*، دانشکده ادبیات، تهران.
۲۴. فرزانه، عبدالحمید، (۱۳۹۸). *آزاداندیشی و آفت‌های آن از منظر قرآن کریم*، فصلنامه علمی پژوهشی اعتقادی و کلامی، ش ۳۶.
۲۵. کریمی، محمود؛ بخشی، محمدرضا، (۱۳۹۹). *مفهوم‌شناسی جهاد اکبر در قرآن و تبیین عرصه‌های آن*، فصلنامه علمی و پژوهشی تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۶.
۲۶. مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۴۱۹). *من هدی القرآن*، چ ۱، دارمحبی‌الحسین، تهران.
۲۷. مدنی، امین، قیصری، سیدپیمان، شریف، محمد، (۱۳۹۴). *جهاد علمی و نقش شکل‌های دانشجویی در آن*، چ ۱، دفتر نشر معارف، تهران.
۲۸. مرتضوی، سیدمحمد؛ خاتمی، سیدجواد؛ خاتمی، سیده‌سمیه، (۱۳۹۲). *شاخصه‌های کرسی آزاداندیشی از منظر قرآن*، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۴.
۲۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۲). *آموزش فلسفه*، چ ۶، سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
۳۰. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۳۱. معینی‌پور، مسعود؛ ملک‌زایی، رضا، (۱۳۹۱). *ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (ع)* و مقام معظم رهبری، مجله مطالعات اسلامی، سال ۹، ش ۸.
۳۲. مکارم‌شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۳۳. ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۹۷). *مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت در جهان اسلام*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلامی، ش ۲.
34. <https://nashresra.ir/> حفظ و نشر آثار آیت‌الله جوادی آملی.
35. <https://farsi.khamenei.ir/> دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای